

یادش بخیر

در حال عبور از مقابل ورزشگاه تختی و غرق در افکار خودم بودم که صدائی برآمد و من را مورد خطاب قرار داد و گفت: که "یادش بخیر". سرم را به طرف صدا برگرداندم و یکی از دوستان قدیمی را دیدم که به سوی من می آید.

ایام کرونایی قوانین و مقررات خاص خود را دارد. او را که مدت ها بود زیارت نکرده بودم به منظور رعایت کردن فاصله اجتماعی جرئت نزدیک شدن به او را نداشتم. مسلما اگر شرایط عادی بود بغلش می کردم و صورتش را غرق در بوسه.

گفتم: چه فرمودید؟ گفت یاد گذشته فوتبال بخیر. گفتم حق با شماست ولی به کار بردن این جمله ممکن است عواقب ناخوشایندی به دنبال داشته باشد. عده ای عجب به فوتبال گذشته حساسیت پیدا کرده اند. باید برای رهایی یافتن از سیل اتهامات و احیاناً دام خطرناک آن ها گذشته فوتبال را در یک کاغذ ضخیمی پیچیده و کنار بگذاریم و برای در امان ماندن از نیش بادمجان های دور بشقاب، گذشته فوتبال را سیاه، بی اثر و فاقد خلاقیت بدانیم. چرا که قدرتمندان حساسیت دارند و نمی توانند با فوتبال سال های قبل، ارتباط برقرار بکنند شما هم حق ندارید و گر نه ممکن است فردا به تو تهمتی بزنند و مارکی بچسبانند و بیچاره ات بکنند.

سخن ما به درازا کشید، او مات و مبهوت چشم به دهان من دوخته بود. خوب گوش می کرد و در نهایت نفسی تازه کرد و با چهره ای برافروخته گفت: مگر گذشته فوتبال اردبیل فقط در تیمداری و نتایج مسابقات و تماشاگر خلاصه می شود؟ فوتبال امروز اصلا قابل مقایسه با فوتبال سال های نه چندان دور نیست. در آن سال ها فوتبال درس از خود گذشتگی می داد. همه در آن احساس مسئولیت می کردند. نظم و ترتیب و روح همکاری در آن زبانزد خاص و عام بود. صداقت در سرلوحه کارها و اقدامات قرار داشت. همه در کنار هم برای یک هدف تلاش می کردند. نامردی، زیرآب زنی، خود محوری، منفعت طلبی و از همه مهم تر از آدم فروشی در آن خبری نبود.

این مسائل در مورد همه مناطق کشور صدق می کند. آمار دروغ دادن و کلاه بر سر افکار عمومی گذاشتن و به واقعیت ها پشت پا زدن با محیط های فوتبالی ما غریبه بود. من و امثال من حسرت آن روزها را به

خاطر این ویژگی ها می خوریم.

برد و باخت و قهرمانی در میدان مسابقه در رده دوم اهمیت قرار داشت. فوتبال به ما درس انسانیت و آدم شدن می داد. به نظر می رسد با شرایطی که بر فوتبال و ورزش حاکم است دوباره به آن روزها رسیدن رؤیایی بیش نیست. حالا اگر کسی می خواهد از این حرف های من خاطرش مکدر و دست هایش لرزان و پایه های صندلی ریاستش متزلزل شود به من ربطی ندارد. لعنت به آن کسانی که خوبی های فوتبال را از ما گرفتند و در مقابلش کینه ورزی و روبه صفتی را به محیط با صفای آن به ارمغان آوردند، لایق ها را خانه نشین کردند و فوتبال را پله ای برای ترقی و کسب مقام و درآمد قرار دادند.